

تفسير الميزان (الميزان في تفسير القرآن)

جلد بیست و دوم

سورہی مبارکہی آل عمران (آیات ۱۴۹ تا ۲۰۰)

نوشتہ: علامہ فقید سید محمد حسین طباطبائی

ترجمہ: سید محمد باقر موسوی ہمدانی

تہیہ و گردآوری: عصمت گلزار



تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن)

جلد بیست و دوم - سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران (آیات ۱۴۹ تا ۲۰۰)

نوشته: علامه فقید سید محمدحسین طباطبائی

ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی

تهیه و گردآوری: عصمت گل

ناشر: پرنیان اندیش

چاپ اول: ۱۴۰۰

طراح صفحات: مهری افروز

طراح جلد و مدیریت چاپ: مهندس سپهر انصاری - ۰۹۱۲۵۲۷۰۹۶۹

تیراژ: ۱۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴-۶۵-۳

ارزش: ۲۱۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱	مقدمه
۲۳	بسم الله الرحمن الرحيم
۲۳	روش تفسیری طبقات اول و دوم مفسرین
۲۵	روش تفسیری محدثین
۲۷	روش متکلمین در تفسیر قرآن و فرق بین تفسیر و تطبیق
۲۸	روش فلاسفه مشاء و اشراقی و متصوفه در تفسیر قرآن
۳۰	تفسیر در قرن حاضر و تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی
۳۱	نظر مسلمان نماهای پیروان روشی درباره روایات
۳۲	نقص و انحراف مشترک تمام مسلک های تفسیری یاد شده
۳۳	عدم ابهام و اغلاق در مفاهیم آیات و منشاء اختلافات
۳۴	علت سبقت معانی مادی کلمات وضع شده به ذهن
۳۷	جمود مقلدین از اصحاب حدیث به ظواهر آیات و رد بر آنها
۳۸	دو راهی استفاده از علم برای درک حقائق قرآن و جمود به ظواهر آن
۳۹	دو روش برای فهم حقائق قرآن
۴۱	فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره قرآن کریم
۴۳	ویژگی تفسیر المیزان
۴۵	سوره آل عمران آیات ۱۴۹ - ۱۵۵
۵۴	معنای (امنه) و (نعاس) و احاطه شدن طائفه های از مسلمانان آن دو در جنگ احد
۵۸	سنت اسباب و مسببات، عام است و امر نبوت و دعوت، از آن مستثنا نیست
۶۰	جواب کسانی که به کشته شدن مسلمانها در جنگ احد اعتراض داشتند

هر یک از گناهان، آدمی را به سوی گناه دیگری می کشاند.....	۶۲
عفو و مغفرت در قرآن به چه معنا است؟.....	۶۴
آیات ۱۵۶ - ۱۶۴.....	۶۷
نهی مؤمنین از هماهنگ شدن با کفار درباره شهدای جنگ احد.....	۶۹
تنزیه ساحت رسول خدا (ص) از بدیها و اعمال زشت.....	۷۴
آیات ۱۶۵-۱۷۱.....	۷۶
دلالت آیه بر اینکه انسان بهد از مردن تا قبل از قیامت زنده و باقی است.....	۸۱
آیات ۱۷۲-۱۷۵.....	۸۴
نمونه ای از مراقب عجیب قرآن در بیانات خود.....	۸۶
اثمه اطهار (ع) روایات مرغ را انکار کرده اند.....	۱۰۱
بحث تاریخی (فهرست اسامی شهدای جنگ احد).....	۱۰۶
آیات ۱۷۶-۱۸۰.....	۱۱۰
از آزمایش و ابتلا جهت تکمیل نفوس معری است.....	۱۱۴
آیات ۱۸۱-۱۸۹.....	۱۱۷
بگ استدلال بر وجود عالم برزخ.....	۱۲۲
آیات ۱۹۰-۱۹۹.....	۱۲۶
پاره ای از اوصاف مؤمنان.....	۱۲۸
آیه ۲۰۰.....	۱۳۶
گفتاری پیرامون رابطه در جامعه اسلامی.....	۱۳۸
۱- انسان و اجتماع.....	۱۳۸
۲- انسان و رشد و نمو او در اجتماع.....	۱۳۸
۳- اسلام و عنایتش به امر اجتماع.....	۱۴۲

- ۴- رابطه‌ای که اسلام بین فرد و اجتماع قائل است در هیچ دینی و
 ۱۴۴..... ملتی سابقه ندارد.....
- ۱۴۶..... هویت و شخصیت مستقل برای اجتماع در اسلام.....
- ۵ - آیا سنت اجتماعی اسلام ضمانت بقا و اجرا دارد؟..... ۱۴۹.....
- شبهه‌ای که دل غریزدگان را به خود مشغول داشته..... ۱۵۰.....
- صرف عدم انطباق یک سنت با وضع حاضر انسانها دلیل بر بطلان و
 فساد آن سنت نیست..... ۱۵۲.....
- پیروی از اکثریت در نظام طبیعت باعث بطلان حکم عقل به وجوب
 پیروی از حق نمی‌شود..... ۱۵۹.....
- حق و حق بودن ملازمه‌ای با رأی اکثریت ندارد..... ۱۶۰.....
- ۶- اجتماع اسلامی به چه چیز تکیه یافته و زندگی می‌کند؟..... ۱۶۷.....
- ۷- انگیزه‌های عقلانی، غیر انگیزه احساس است..... ۱۷۸.....
- ۸- معنای پاداش خواستن از خدا و اعراض از غیر خدا چیست؟..... ۱۸۲.....
- ۹- حریت در اسلام به چه معنا است؟..... ۱۸۴.....
- ۱۰- در مجتمع اسلامی راه بسوی تحول و تکامل چیست؟..... ۱۸۸.....
- ۱۱- آیا اسلام با همین احکام و شرایعی که دارد می‌تواند انسان عصر
 حاضر را به سعادتش برساند؟..... ۱۹۲.....
- ۱۲- رهبر جامعه اسلامی چه کسی است و چگونه روشی دارد؟..... ۱۹۵.....
- تفاوت‌های حکومت اسلامی با نظام‌های حکومتی دیگر..... ۱۹۷.....
- ۱۳ - حد و مرز کشور اسلامی مرز جغرافیایی و طبیعی و یا اصطلاحی
 نیست بلکه اعتقاد است..... ۲۰۱.....

مقدمه

علامه سید محمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی (زاده ۱۲۸۱ تبریز - درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ قم) معروف به علامه طباطبایی، روحانی سرشناس، فیلسوف عظیم الشأن و نویسنده پرتلاش و ژرف اندیش ایرانی، از مراجع تقلید بزرگ شیعه و از مدرسان صاحب نام حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد.

دوره ی کودکی و نوجوانی وی در تبریز سپری شد. در پنج سالگی مادرش در نه سالگی پدر خود را از دست داد. وصی پدرش، او و تنها برادرش محمدحسن الهی طباطبایی را برای تحصیل به مکتب فرستاد. تحصیلات ابتدایی شامل قرآن و کتب ادب پارسی را فرا گرفت. سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علیتقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت. تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه ی وافر او پاسخ گوید، بنابراین به مدرسه طالبیه تبریز رفت و به فراگیری ادبیات عرب، علوم نقلی، فقه و اصول پرداخت و به مطالعه در زمینه های گوناگون دانش اسلامی سرگرم شد. خود از دوران تحصیل چنین یاد می کند: « در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه ی زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این رو هر چه می خواندم، نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذراندم. پس از آن یکباره عنایت خدایی دامن گیرم شده عوضم کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بینایی نسبت به تحصیل کمال، حس نمودم. به طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث، برابر می پنداشتم. بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی، به حداقل ضروری قناعت

نموده باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد به ویژه در بهار و تابستان که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می‌کردم و اگر اشکالی پیش می‌آمد با هر خودکشی بود حل می‌نمودم و وقتی که به درس حضور می‌یافتم، از آنچه استاد می‌گفت قبلاً روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم.

او همچنین همراه برادرش به نجف رفت و ده سال نیز در نجف به تحصیل علوم دینی مشغول شد. در این دوره، علوم ریاضی را نزد سید ابوالقاسم موسوی خوانساری نوه ی سید ابوالقاسم خوانساری و فقه و اصول را نزد استادانی نظیر محمد حسین نائینی و محمدحسین غروی اصفهانی فراگرفت. استاد وی در فلسفه، حکیم مثاله، سید حسین بادکوبه‌ای بود. همچنین معارف الهیه، تفسیر قرآن به قرآن، حکمت و فلسفه، عرفان، اخلاق و فقه الحدیث را نزد سیدعلی قاضی طباطبایی آموخت. او در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بود، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعتشان در تبریز به دست می‌آمد، مجبور به بازگشت به ایران شد و مدت ده سال پس از آن را در روستای شادآباد تبریز به پیشه ی زراعت و کشاورزی روزگار گذراند. درباره ی این دوره از حیات پربار این استاد بزرگ دین و علوم اسلامی، فرزندش سید عبدالباقی طباطبائی چنین می‌گوید: «خوب به یاد دارم که پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما حین ریزش باران و برف های موسمی، در حالی که چتر به دست گرفته یا پوستین به دوش داشتند، امری عادی تلقی می‌گردید. در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد، و به دنبال فعالیت‌های مستمر ایشان، قنات ها لایروبی و باغ‌های مخروبه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید احداث گردید و یک ساختمان بیلاقی هم داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته

شد. در محل زیرزمین خانه نیز حمامی به سبک امروزی بنا نمود. طبقه زیر این اتاق‌ها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم، بایستی به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر می‌کردیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود، پخت‌وپز هم در داخل اتاق انجام می‌گرفت. در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود، که در میهمانی‌های بزرگ از آن‌ها به راحتی استفاده می‌کرد. پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آن‌ها سید محمد حجت کوه‌کمری بود. اولین رفت‌وآمد علامه به منزل آقای حجت بود و کم‌کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت‌وآمد آغاز شد. علامه طباطبایی هنگام ورود به قم به قاضی معروف بود، اما چون از سلسله‌ی سادات طباطبایی هم بود، خود را هیچ‌کس با طباطبایی معروف نشود. با ظاهری ساده، عمامه‌ای کوچک و قبایی از جنس کرباس آبی رنگ و دکمه‌های باز قبا و بدون جوراب، با لباس کمتر از معمول در کوچه‌های قم تردد داشت و خانه‌ی بسیار محقر و ساده‌ای داشت. باز داستان زندگی در قم را از زبان فرزند این بزرگوار چنین می‌خوانیم: «همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد شهر قم شدیم. در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم، ولی به زودی در کوچه ینچال قاضی، در منزل یکی از روحانیان، اتاقی دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود، اجاره کردیم. این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود.»

از رویدادهای مهم حیات فکری علامه طباطبایی در دوره زندگی در قم، آمدن هانری کربن از فرانسه به ایران و ملاقات با علامه طباطبایی در قم و تهران است. این ملاقات‌ها سبب شکل‌گیری حلقه‌ی فلسفی مهمی در آن دوران شد. به همت کربن، بسیاری از فلاسفه بعدی ایران معاصر، به همراه او در محضر علامه طباطبایی به فلسفه‌آموزی و طرح و درک مباحث عمیق فلسفی پرداختند.